



## حکمت حماسه عاشورا و آسیب‌شناسی عزاداری‌ها

گفت‌وگو با دکتر محمد فنایی اشکوری

حماسه حسینی از ابعاد گوناگون تاریخی، الهیاتی، جامعه‌شناختی، سیاسی و معنوی قابل مطالعه است و ما هنوز تحلیل جامعی از این حماسه به دست نیاورده‌ایم.

کار دیگر ترویج و معرفی آن به جهانیان است. اگر حق جویان و آزادی‌خواهان جهان امام حسین علیه السلام و عاشورا را بشناسند، شیفته آن خواهند شد. در این جهت نیز، ما کار قابل ذکری نکرده‌ایم.

کار سوم کوشش برای درس گرفتن از این حماسه برای فرهنگ‌سازی و تمدن‌آفرینی است. وقت آن رسیده است که از ظرفیت‌های بی‌پایان حماسه عاشورا در جهت اصلاح جامعه بهره ببریم. دکتر محمد فنایی اشکوری در گفت‌وگویی به بررسی ابعاد مختلف حماسه عاشورا و آسیب‌شناسی مراسم عزاداری امام حسین علیه السلام پرداخته‌اند که مشروح آن بدین شرح می‌باشد.

را تجسم بخشیده است. این حماسه که فلسفه‌اش عزت، حریت، کرامت، دیانت، شجاعت، عدالت و معنویت است، عصاره ارزش‌های دین اسلام و مذهب تشیع را در خود دارد و بزرگترین سرمایه اعتقادی و معنوی و تاریخی اسلام ناب و تشیع علوی است. تشیع با چنین سرمایه عظیمی، می‌تواند نظر حق جویان و عدالت‌خواهان عالم را به خود جلب و بشریت را به سوی خود جذب کند و با استفاده از این میراث بی‌بدیل، جهانی نو و تمدنی تازه بنا کند؛

### ♦ لطفاً قدری درباره جایگاه حماسه عاشورا در فرهنگ شیعه توضیحی بفرمایید.

حماسه عاشورا و نهضت سالار شهیدان علیه السلام از عناصر اصلی هویت بخش به فرهنگ شیعی است. به عبارت دیگر، عاشورا شناسنامه و پرچم تشیع است. بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فلسفه نبوی و همین‌طور واقعه غدیر و ولایت علوی در حماسه عاشورا حضور و تجلی دارد و احیا شده است. حماسه حسینی نمایش عینی آموزه‌های قرآن است و انسان تربیت شده قرآنی



ویران‌نامه تحلیل‌های امام حسین علیه السلام  
با رویکرد اجتماعی، سیاسی و تربیتی  
تیرماه ۱۴۰۳ | محمد الحرم ۱۴۶۶

چراکه آن ارزش‌های معنوی، اخلاقی و اجتماعی که بشر می‌خواهد و می‌جوید، در این حماسه به کمال و زیبایی حضور دارد و نکته مهم این است که این حماسه شبیه و بدیل و جای‌گزینی ندارد و هیچ حرکت اجتماعی و قیامی و حماسه‌ای نمی‌تواند در این جهت با آن رقابت کند.

## ❖ آیا حماسه عاشورا و پیروی از امام حسین علیه السلام مختص به شیعیان است یا دیگران نیز می‌توانند از این حماسه درس بیاموزند و الهام بگیرند.

پیام حماسه شکوهمند حسینی فقط برای شیعیان نیست؛ بلکه این پیام جهانی، فراتاریخی و فرامکانی است. مخاطب امام حسین علیه السلام بشریت است. امام حسین علیه السلام در پی احیای ارزش‌های بنیادی و اصیل انسانی است. می‌توان گفت قیام و پیام امام حسین علیه السلام لایه‌ها و سطوح مختلف دارد. در یک سطح مخاطب آن حضرت همه بشریت است؛ حتی کسانی که به دینی وابسته نیستند؛ چراکه ارزش‌های بنیادی بشری در فطرت انسان‌ها و مشترک بین همه است. حریت، عدالت و عزت برای هر انسان سلیم‌الفطره‌ای مطلوب است و آرمان همه جوامع است. در لایه و سطح دیگر، مخاطب امام حسین علیه السلام متدینان هستند. پیروان ادیان اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و غیر آن، از آن جهت که به خدا و وحی و قیامت معتقد هستند، مخاطب امام حسین علیه السلام هستند. ایشان قیام علیه ستم و مبارزه برای استقرار عدالت را یک وظیفه دینی و الهی می‌بینند. از این جهت است که شخصی مانند مهاجمان برای مبارزه با استعمار اشغال‌گر و ستمگر انگلیس از امام حسین علیه السلام الهام می‌گیرد و خود را پیرو او می‌داند. در سطح سوم مخاطب امام حسین علیه السلام همه مسلمان‌ها هستند؛ اعم از شیعه و سنی. شعارهای امام حسین علیه السلام و اهدافی که برای قیامش ذکر می‌کند، اختصاصی به شیعه ندارد. او

از احیای سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله، امر به معروف و نهی از منکر، مبارزه با ظلم و ستم و اصلاح امت سخن می‌گوید که کمترین رنگ فرقه‌ای ندارد؛ بلکه به همه امت اسلامی مربوط است. از این رو، پیام واقعه کربلا اختصاص به شیعه ندارد و بزرگداشت این واقعه و سوگواری و حزن و ماتم آن، وظیفه همه مسلمانان راستین است. از این جهت است که بسیاری از اهل تسنن نیز در بزرگداشت امام حسین علیه السلام و عزاداری حادثه عاشورا مشارکت دارند. بیشترین آثار علمی درباره قیام حسینی را علمای سنی نوشته‌اند. متأسفانه امروزه توجه به حماسه حسینی در برخی از جوامع سنی کم‌رنگ شده است و علمای معاصر سنی بر خلاف پیشینیان، توجه کمتری به این حماسه عظیم و باشکوه تاریخ اسلام دارند و یکی از علل سلطه مستبدان و استعمارگران بر این جوامع نیز، همین غفلت است؛ ملتی که با امام حسین علیه السلام آشنا باشد و خون حسینی در رگ‌هایش بجوشد، هیچ‌گاه حکام فاسدی همچون آل سعود را تحمل نخواهد کرد. در سطح چهارم قیام امام حسین علیه السلام پیام و معنای خاصی برای شیعیان دارد؛ از آن جهت که از دیدگاه شیعه، امام حسین علیه السلام امام معصوم و حجت خداست و جز به الهام الهی کاری را انجام نمی‌دهد. از این نگاه، قیام حسینی صبغه قدسی و الهی پیدا می‌کند و بر این مبناست که سنت و سیره او حجت و واجب‌الاتباع است. معرفت و محبت به امام و اطاعت و پیروی از او، از دیدگاه شیعه واجب است. در این نگاه امام حسین علیه السلام وارث همه انبیا از آدم تا خاتم صلی الله علیه و آله است. السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله... السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله.

❖ با توجه به ظرفیت عظیمی که در حماسه حسینی هست، ما چه اندازه از این ظرفیت در اصلاح و رشد جامعه اسلامی استفاده کرده‌ایم؟ متأسفانه از ظرفیت بی‌پایان حماسه عاشورا در



## ❖ اگر بخواهید از نحوه مواجهه ما با حماسه حسینی آسیب‌شناسی داشته باشید، روی چه نقاطی تأکید می‌کنید؟

آسیب‌شناسی و برخورد نقادانه و اصلاح‌گرانه درباره هر پدیده اجتماعی تأثیرگذار ضروری است. نقد و ارزیابی و نگاه آسیب‌شناسانه و نقادانه، لازمه رشد و پیشرفت است. همه عناصر اصلی مرتبط با بزرگداشت حماسه حسینی نیازمند بازنگری و نقد و اصلاح مستمر است. از وعظ و سخنرانی و مداحی تا نحوه عزاداری مردم و شیوه برگزاری مجالس، نیازمند بازنگری و اصلاح همیشگی است. اگر بخواهیم حق این آسیب‌شناسی را ادا کنیم، باید یک کتاب مفصل در این زمینه نوشت؛ اما در اینجا به‌طور گذرا به چند نکته مهم اشاره می‌کنم. می‌دانیم که جهان شیعی پنهان و متنوع است؛ از عراق و لبنان و بحرین تا ایران و آذربایجان و افغانستان و هند و پاکستان و دیگر نقاط را شامل می‌شود. منظور ما از ذکر نکات انتقادی این نیست که این مشکلات در همه محافل شیعی هست؛ بلکه محافل و مناطق مختلف از این جهت متفاوتند. به‌طور کلی می‌توان گفت لازم است، محتوای سخنرانی‌ها سال به سال عمیق‌تر و دقیق‌تر شود. تحلیل و تفسیر واقعه عاشورا و فلسفه و اهداف آن، باید به‌خوبی و بر اساس مبانی استوار عقلی و دینی و تاریخی به مردم ارائه شود. لازم است، محتوای اشعار مداحان به‌طور مستمر بازبینی و پیراسته شود. از اغراق‌گویی، نقل وقایع بی‌پایه، خرافات‌گرایی و سخنان عامیانه و بی‌پایه جداً باید پرهیز شود. ما متأسفانه همه این مشکلات را داریم. یکی دیگر از مسائلی که تناسبی با حماسه سالار شهیدان ندارد و متأسفانه روز به روز پرننگ‌تر می‌شود، مسائل مادی است. من معتقدم، تنها کسانی که عاشق امام حسین علیه السلام هستند، باید از او سخن بگویند و برای او مداحی و نوحه‌سرایی کنند. نمی‌گویم پول گرفتن برای این کارها اشکال شرعی دارد؛ اما عرضم این است که تبدیل شدن این کارهای مقدس و عاشقانه به یک شغل

فرهنگ‌سازی و تمدن‌آفرینی ما بسیار کم، بهره برده‌ایم. اساساً چنین نگاهی به حماسه عاشورا رایج نبوده است. ما به‌جای تعمق در محتوا و پیام و فلسفه عاشورا در ظاهر و صورت آن تمرکز و توقف کردیم و در واقع، پیام آن را آن‌گونه که یکی شایسته است، دریافت نکردیم. می‌دانیم که یکی از منابع الهام‌بخش در انقلاب اسلامی ما حماسه عاشورا بود. همچنین نقش حماسه حسینی در دفاع مقدس هشت‌ساله ما برجسته بود؛ اما در طول تاریخ تشیع چنین نمونه‌هایی زیاد نیست. اگر چنین بود، امت اسلامی و جامعه شیعی، سرنوشتی بس متفاوت داشت.

## ❖ نسل امروز ما چه وظیفه‌ای در قبال این حماسه عظیم دارد؟ به عبارت دیگر، ما اگر بخواهیم، این کوتاهی و ضعف تاریخی که در قبال این حماسه داشته‌ایم را جبران کنیم، چه باید بکنیم و چه رویکردی نسبت به آن باید داشته باشیم؟

ما وظایف بسیاری در این زمینه داریم. وظیفه نخست ما، شناخت عمیق فلسفه و پیام این نهضت است. در این زمینه هم، کار علمی و فکری به‌قدر کافی و درخور صورت نگرفته است. حماسه حسینی از ابعاد گوناگون تاریخی، الهیاتی، جامعه‌شناختی، سیاسی و معنوی قابل مطالعه است و ما هنوز تحلیل جامعی از این حماسه به دست نیاورده‌ایم. کار دیگر ترویج و معرفی آن به جهانیان است. اگر حق جویان و آزادی‌خواهان جهان امام حسین علیه السلام و عاشورا را بشناسند، شیفته آن خواهند شد. در این جهت نیز، ما کار قابل‌ذکری نکرده‌ایم. کار سوم کوشش برای درس گرفتن از این حماسه برای فرهنگ‌سازی و تمدن‌آفرینی است. وقت آن رسیده است که از ظرفیت‌های بی‌پایان حماسه عاشورا در جهت اصلاح جامعه بهره ببریم.



# عزاداری

## ❖ ما امام حسین و دیگر معصومین علیهم السلام را اسوه و سرمشق کامل انسانیت می‌دانیم. مقتضای اسوه دانستن امام حسین علیه السلام در زندگی فردی و اجتماعی ما چیست؟

نکته‌ای که لازم است، در زمینه اسوه بودن امام حسین علیه السلام در آن تأمل کنیم، توجه به هدف حماسه حسینی است. آیا امام حسین علیه السلام برای این شهید شدند که ما برایش عزاداری کنیم؟ ما عزاداری می‌کنیم و باید بکنیم؛ اما آیا وظیفه ما در قبال شهادت امام حسین علیه السلام فقط عزاداری است؟ آیا اهدافی که امام حسین علیه السلام از این حماسه داشت، تنها با عزاداری تحقق می‌یابد؟ ما باید بیشترین اهتمام خود را در راه تحقق اهداف نهضت امام حسین علیه السلام صرف کنیم که عبارت است از: اصلاح امت، مبارزه با ستم، امر به معروف و نهی از منکر و کوشش برای تحقق دیگر ارزش‌های انسانی و الهی. عزاداری امام حسین علیه السلام نباید مشغله تمام وقت ما شود. این به معنای فراموش کردن اصل قضیه عاشورا و هدف آن است. کسانی چنان فکر و عمل می‌کنند که گویی بین ما و امام حسین علیه السلام تقسیم وظایفی شده است. وظیفه امام

برای کسب درآمد، دور شدن از فلسفه عزاداری است و از تأثیر آن می‌کاهد. رواج خرافه‌گرایی و عوام‌زدگی در شکل عزاداری مثل زنجیرزدن‌های نامتعارف و با بدن لخت و بدتر از همه، قمه زدن و با سر و بدن خون‌آلود ظاهر شدن، صحنه‌هایی را به وجود آورده که دشمنان شیعه را شاد کرده و بهانه‌ای برای تخریب چهره تابناک تشیع به دست بدخواهان و تفرقه‌افکنان داده است. وضعیت نظم و نظافت و بهداشت و سازمان‌دهی محافل و دسته‌جات هم لازم است، سال به سال بهبود و ارتقا یابد. البته این امر تابع فرهنگ عمومی ماست و اختصاصی به عزاداری ندارد و تا آن فرهنگ عمومی در کلیتش درست نشود، در عزاداری هم، نباید انتظار تغییر جدی داشت؛ اما اصلاح این امور در مراسم عزاداری که مهمترین جلوه مراسم اجتماعی ماست، می‌تواند نقطه شروع خوب و تأثیرگذاری نسبت به فرهنگ عمومی جامعه ما باشد. با این‌گونه بازنگری‌ها و اصلاحات می‌توان امید داشت که ان‌شاءالله ندای مقدس حسینی در دنیا شنیده شود و تأثیر سازنده‌اش را ابتدا در اصلاح و بهبود جامعه خودمان و سپس در جوامع دیگر بگذارد.



عزاداری نمی‌توان حسینی شد و ادعای پیروی از سیره آن حضرت را داشت. آنچه بر همه شخصیت و زندگی امام حسین علیه السلام در تمام عمرش حاکم است، عبودیت و عمل به تکلیف است. امام حسین علیه السلام عبد شایسته خداست و در هر شرایطی به وظیفه‌ای که در آن شرایط دارد، عمل می‌کند. حسینی کسی است که صفات و ویژگی‌های اخلاقی و شخصیتی و معنوی او شبیه به امام حسین علیه السلام باشد، نه کسی که هیچ شباهتی به امام حسین ندارد؛ اما فقط برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کند! این سخن، هم درباره فرد صادق است و هم درباره جامعه. کدام جامعه و شهر حسینی‌تر است؟ آن جامعه و شهری که مردمش در ایام محرم سیاه‌پوش می‌شوند و از همه جا بیرق عزاداری بلند است و از بلندگوها عزای امام حسین علیه السلام پخش می‌شود و بیشتر و شدیدتر از جاهای دیگر عزاداری می‌کنند؛ اما از عدالت و اخلاق و انصاف و انسانیت و تقوا و طهارت بهره‌چندانی ندارد؟ یا جامعه‌ای که این ارزش‌ها را دارد؛ اما عزاداری‌اش به آن شدت نیست؟ البته بین اینها تنافی نیست و جامعه مطلوب آن است که هر دو را با هم دارد. بی‌شک مردمی که

حسین علیه السلام خودسازی و عبودیت و مبارزه و جهاد برای اصلاح امت و تحقق ارزش‌های اسلامی و انسانی بود و وظیفه ما، تحسین و تعظیم و گریه و عزاداری برای ایشان است. شکی نیست که باید حماسه حسینی را بزرگ بداریم و در سوگ سالار شهیدان عزاداری کنیم و خاطره ایثار و شهادت پیشوای آزادگان جهان و یارانش را همیشه زنده بداریم؛ اما در کنار این امر باید بدانیم که حسینی بودن، تنها به پیراهن سیاه و شال عزاداری و ماتم نیست. امام حسین علیه السلام ۵۷ سال زندگی کرد. عاشورا یک روز از زندگی او بود. صد البته که این یک روز، بسیار با عظمت است و یک تاریخ است. اما آیا امام حسین علیه السلام پیش از قضیه عاشورا الگو و اسوه نبود؟ آن حضرت چگونه شخصیتی داشت و در تمام عمرش چگونه زیست؟ امام حسین علیه السلام پیش از عاشورا همان قدر الگو و اسوه است که پس از عاشورا است؛ لیکن مهم تشخیص موقعیت است. امام حسین همیشه در جنگ و مصیبت و شهادت نبود. حسینی بودن و پیروی از امام حسین این است که به تمام زندگی ایشان توجه کنیم و سیره او را تعقیب کنیم و در راه اهدافش گام برداریم. بنابراین تنها با



## ❖ فلسفه عزاداری برای امام حسین علیه السلام چیست و چه ضرورتی دارد؟

بزرگداشت شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش و زنده نگذاشتن حادثه کربلا برکات و ثمرات بسیاری دارد. عزاداری برای امام حسین و اشک ریختن بر مصائب او، لازمه انسانیت و اسلامیت است. امام حسین علیه السلام همه هستیش را در راه خدا و احیای دین خدا و اصلاح امت ایثار کرد. چگونه می‌توان در برابر چنین ایثار عظیمی بی‌تفاوت بود. عزاداری برای امام حسین علیه السلام اگر از روی معرفت باشد، روح حماسی را زنده نگاه می‌دارد و ارزش‌های متعالی را که امام حسین برای احیای آنها قیام کرد، ترویج می‌کند. عشق به امام حسین علیه السلام، عشق به ارزش‌های والای انسانی است. عشق به عدالت، اخلاق، معنویت، انسانیت، عزت و جوانمردی است. بقای تشیع مرهون عاشورا است. عاشورا سرمایه گران‌بها و بی‌بدیلی برای تشیع است. ائمه ما علیهم السلام بر شهادت جد مظلوم‌شان می‌گریستند و مجالس عزای پرا می‌کردند و شاعران را تشویق می‌کردند که در رثای سید و سالار شهیدان نوحه بسرایند. از حضرت امام عصر علیه السلام روضه جان‌سوزی درباره جد غریبش رسیده است که دل‌ها را آتش می‌زند. در زیارت ناحیه مقدسه چنین با جد مظلومش سخن می‌گوید: سلام بر آن محاسن به خون خضاب‌شده، سلام بر آن گونه خاک‌آلوده، سلام بر آن بدن برهنه، سلام بر آن دندان چوب‌خورده، سلام بر آن سر بالای نیزه‌رفته، سلام بر آن بدن‌های برهنه و عریان که در بیابان‌ها شدند... تا می‌رسد به اینجا که می‌فرماید: جا دارد صبح‌شام در مصیبت تو ناله کنم و به‌جای اشک خون بگیریم: «لَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَمَسَاءً وَلَا بُكَيْنٌ لَكَ بَدَلُ الدُّمُوعِ دَمًا». در روایات فضایل بسیاری بر گریه بر امام حسین علیه السلام و زیارت قبر مطهرش ذکر شده است که مشهور است.

اینکه می‌توانیم آزادانه برای امام حسین علیه السلام عزاداری



برای امام حسین علیه السلام عزاداری می‌کنند، به آن حضرت عشق می‌ورزند و عزاداری آنها ابراز عشق آنها به سید و سالار شهیدان است؛ اما هنگامی که تأثیر مثبت این عزاداری را در خیابان و بازار و اداره و دیگر عرصه‌های حضور مردم بسیار کم‌رنگ می‌بینیم، معلوم می‌شود، نسبت بین عشق به امام حسین علیه السلام و دینی و اخلاقی زیستن روشن نشده است؛ یعنی این فرهنگ نهادینه نشده است که عشق به حسین علیه السلام مستلزم رفتار بهتر و اخلاقی‌تر با انسان‌هاست. لازمه عشق به حسین علیه السلام، رواج مهرورزی و نیکوکاری و کاهش آمار انواع جرائم و تخلفات است. این اشکال متوجه کسانی است که در ماجرای عزاداری، تربیون در اختیار آنهاست. آنها آن‌گونه که در تهییج احساسات پاک و مقدس موفق بوده‌اند، در دادن بینش عمیق حسینی توفیقی نداشته‌اند و یا خود از این بینش بهره‌چندانی ندارند. اگر این‌گونه نیست، این تناقض باید حل شود و این سؤال باید پاسخ داده شود که چگونه می‌شود که عشق به امام حسین علیه السلام در حد آمادگی برای جان‌فشانی باشد؛ اما مناسبات انسانی و اخلاقی در جامعه تا این حد ضعیف و حتی بحرانی باشد!



ویژه‌نامه تحلیل قیام امام حسین علیه السلام  
با رویکرد اجتماعی، سیاسی و تربیتی  
مهرماه ۱۴۲۳ | مجله الهام ۱۴۶۳

کنیم، باید شکر کنیم. در طول تاریخ بسیار بوده است که شیعیان نمی‌توانستند عزاداری کنند. در طول تاریخ تحت حاکمیت خلفای جور اموی و عباسی، زیارت قبر امام حسین علیه السلام جرم محسوب می‌شد و زائران به شدیدترین وجهی سرکوب می‌شدند. همین امروز هم، شیعیان در بسیاری از مناطق دنیا برای عزاداری امام حسین علیه السلام آزاد نیستند؛ مثل عربستان، بحرین، کشمیر، نیجریه، اندونزی و نقاطی از افغانستان و پاکستان که تحت تسلط وهابیون است. گاهی مجالس عزاداری آنها توسط تروریست‌های متعصب وهابی به خاک و خون کشیده می‌شود. کمتر عاشورایی است که در جمع عزاداران شیعه پاکستانی بمب منفجر نشود و جمع زیادی به شهادت نرسند. شیعیان عراق در زمان حاکمیت صدام، حق عزاداری نداشتند. عزاداری شیعیان نیجریه در سال ۲۰۱۵ با تحریک آل‌سعود توسط ارتش این کشور به خاک و خون کشیده شد و صدها تن از شیعیان نیجریه قتل‌عام شدند و شیخ زاکزاکای رهبر شیعیان نیجریه مجروح و زندانی شد. یزیدیان امروز هم هستند و راه اسلاف پلیدشان را ادامه می‌دهند. البته این مخالفت‌ها و ممانعت‌ها هرگز نمی‌تواند از عشق مردم به امام حسین علیه السلام بکاهد یا باعث فراموشی واقعه عاشورا شود. چنانکه می‌بینیم در مواردی نفس‌برگزاری عزاداری برای امام حسین علیه السلام بزرگترین وظیفه و بالاترین جهاد است و خود نوعی حماسه‌آفرینی و ایثار است. اهتمام به عزاداری، حماسه کربلا را تا به امروز زنده نگاه داشته است؛ حتی اگر درس‌های لازم از حماسه عاشورا آموخته نشود، نفس همین زنده نگذاشتن یاد عاشورا برکات بسیاری دارد و همچون آتش زیر خاکستری باقی خواهد ماند تا در زمان مناسب شعله‌ور شود و بساط ستم‌گران عالم را بسوزاند؛ اما وقتی به شرایط فعلی کشورمان برمی‌گردیم، می‌بینیم امروز مسئولیت ما در قبال این حماسه، بسی

بیش از عزاداری و بزرگداشت است. امروز مردم دنیا، چشم به ایران دوخته‌اند تا ببینند، مردم شیعه ایران با چنین میراث غنی و ارزشمندی چه نوع جامعه و فرهنگ و تمدنی را خواهند ساخت و جامعه‌ای که امام حسین علیه السلام و حماسه کربلا را الگوی خود قرار داده است، چگونه جامعه‌ای است. در این موقعیت اگر ما به مسئولیت‌آشنایی خود در این نقطه عطف تاریخ شیعه بی‌توجهی یا کم‌توجهی کنیم، ظلم بزرگی به اسلام، تشیع و فرهنگ حسینی کرده‌ایم. اینجاست که عشق به امام حسین علیه السلام و ابراز شور و هیجان و برگزاری سوگ و ماتم در شهادت سالار شهیدان و یاران باوفا و فداکارش، باید همراه شود با حسین‌گونه زیستن و بنای جامعه‌ای با فرهنگ حسینی. از مهمترین شاخصه‌های این فرهنگ، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی است. فرهنگ حسینی ظلم را در هیچ جامعه‌ای و از سوی هیچ‌کسی و به هیچ بهانه‌ای نمی‌پذیرد و جامعه حسینی بی‌عدالتی را برنمی‌تابد. نه خود اهل ظلم است و نه در مقابل ظلم به دیگران بی‌تفاوت و ساکت می‌نشیند.

نه ظلم کن به کسی و نه زیر بار ظلم برو

که این مرام حسین است و منطق دین است<sup>۱</sup>

